زنان موفق ِ كشور ِ ما

2 ارديبهشت 1391

«سنّت‌مان هم چنگي به دل نمي‌زند»

«زن ايراني؛ از سنّت تا مدرنيته»

از «مادر تِـرزا» نام مي‌برد، به عنوان يك زن نمونه و موفق و فعاليت‌هاي خيريه او را برمي‌شمرد و نام چند زن ديگر را رديف مي‌كند و در انتها مي‌پرسد: «?Who are women whose lives made a difference in your country» و با همين يك پرسش، تمام تاريخ زن ايراني را زير سؤال مي‌برد.

اولين بار نيست كه از گذشته خود به عنوان زن ايراني پرسش مي‌كنم، گوگل را هم مي‌كاوم، در جواب سرچ «زنان موفق ايراني» همان چيزي را مي‌بينم كه او ديده است و برنتافته؛ پس زن موفق ايراني كجاست؟!

امروز اگر در نوشته‌هايمان به «مدرنيته» مي‌تازيم و نگرش‌هاي افراطي «فمينيستي» را نكوهش مي‌كنيم، اگر دادِ بي‌دادي برمي‌كشيم و از آن‌چه بر زن مسلمان مي‌رود، در تغيير هويّت زنانه‌ي او و تبديل شدنش به ابزاري براي منافع بيشتر سرمايه‌داران، شركت‌داران و مَلاّكان اجتماعي، مي‌ناليم، اما به گذشته نيز نمي‌توانيم انتقاد نكنيم.

وقتي به گذشته زن ايراني مي‌نگرم، در هزارتوي تاريخ ظالمانه ستمگران و شاهان، دربارهاي مملوّ از دَدمنشي و زراندوزي، در عمق ِ ظلمي نهادينه شده، زن را «ضعيفه» مي‌بينم و فرهنگي منحطّ كه «موفقيت» را بد تعريف كرده است، خيلي بَد. خودماني‌اش: «سنّت‌مان هم چنگي به دل نمي‌زند».

نگرش خفّت‌باري كه زورمندان و سلطه‌طلبان گذشته به زن داشتند، تفاوتي با نگاه سرمايه‌محور امروز غرب، در اصل ِ استثمارگري ندارد. امروزه اگر زن را نيرويي پُركار مي‌خواهند و كم‌اعتراض، كه چرخ‌هاي توليد را بگرداند، در گذشته‌اي نه چندان دور نيز، او را ابزاري مي‌خواستند براي دستيابي به مقاصد ثروت‌اندوزي و تبرّج و خودنمايي. گاهي هم براي قرباني كردن رقبا و نفوذ در تصميم‌گيري‌ها.

تاريخ كم ندارد از زناني كه براي دست به دست كردن قدرت و تغيير جايگاه سلطه، حتي از رأفت و محبّت خدادادي، فطري و ذاتي زنانه گذشتند و خونريزي‌هاي بزرگي پديد آوردند(1). اگر چه امروز هم از اين پديده‌ها روي مي‌دهد.(2)

تمامي فشارهاي تاريخي ستم‌پيشگان بر گــُرده زن، فرهنگي مخفي و پنهان در زنان، علي‌الخصوص زنان دوران قاجار، پديد آورد كه تا امروز همچنان باقي مانده است؛ درونگرايي زنان و توليد جامعه‌اي در سايه كه سنّت‌هاي آن را خصوصاً در مراسمات مرتبط با ازدواج، از همسريابي و خواستگاري گرفته، تا مقدّمات و مؤخّرات برگزاري مراسم عروسي، مي‌توان مشاهده كرد. حسادت‌هايي زنانه كه از ريختن زرنيخ در كاسه حناي هوو در حرمسراهاي جائران براي كسب مقام «سوگلي»، آئين‌هايي مقدّس براي نگهداري كيسه حنا تشريع مي‌كرد!(3) اين فرهنگ حتي در تلاقي با باورهاي اسلامي، نوع خاصّي از سنّت ديني را پايه‌گذاري نمود. آن‌چه از مجالس روضه زنانه مي‌بينيم و آجيل مشكل‌گشا و ختم انعام و بسياري رفتارهاي مرسوم كه برخي از آن‌ها ريشه و عمق ديني ندارند و آلوده به خرافات شده‌اند.

اگر چه در گذشته اين سرزمين، زنان موفقي يافت مي‌شوند كه تأثيرگذار بوده و مدارج تعالي را طي كرده‌اند(4)، اما تعريف نادرستي كه از موفقيت ِ زنان بر سر زبان‌ها بوده و هست، همچنان آنان را در گمنامي و فراموشي پنهان نگهداشته و جستجوي «زنان موفق ايراني» در گوگل را با مشكلي جدّي مواجه ساخته است!

در اين دوران كه زنان هويّت اسلامي خود را بازمي‌طلبند و براي دستيابي به جايگاه الهي خود، منزلتي كه خداوند در آفرينش براي‌شان قرار داده، تلاش مي‌كنند، ما به شدّت محتاج بازتعريف الگوي زن مسلمان هستيم، الگويي كه نه به مدرنيته و پُستِ آن متصل شود و نه به گذشته ضعيف زن ايراني بچسبد.

يك اسلام شناس برجسته مي‌گويد: «اسلام در مورد حقوق خانوادگي زن و مرد فلسفه خاصي دارد كه با آنچه در چهارده قرن پيش مي‌گذشته و با آنچه در جهان امروز مي‌گذرد مغايرت دارد»(5). زن ِ مسلمان را همان‌طور كه نبايد در فضاي مسموم امروز تعريف كرد، در گذشته تاريك تاريخ نيز نمي‌توان جستجو نمود.

## ------------------------------------

(1) به عنوان مثال: فاجعه قتل اميركبير يا قتل عام ايرانيان به دستور استر و مردخاي

(2) تاريخ فراموش نخواهد كرد در زماني كه وزير جنگ اسرائيل يك زن بود (زيپي ليوني)، محاصره شديد آب و غذا براي مردم بي‌گناه غزّه تدارك كرد و عمليات «سرب گداخته» را رهبري نمود!

(3) جايگاه زن در دوران قاجار آن‌چنان تنزّل يافته بود كه زنان حرمسرا براي رقابت با يكديگر از بسياري نادرستي‌ها دريغ نمي‌كردند. گفته شده در كيسه حنا زرنيخ مي‌ريختند و گيسوان سوگلي پس از حنا گذاشتن تماماً مي‌ريخت و كچل مي‌شد. به اين ترتيب جاي خود را به ديگري مي‌داد! ر.ك. كتاب طنز انتقادي «كلثوم ننه» (عقائدالنساء) اثر آقاجمال خوانساري

(4) مانند: بانو مجتهده امين (1266 هـ ش) صاحب تفسير پانزده جلدي «مخزن العرفان»

(5) شهيد مطهري(ره)، نظام حقوق زن در اسلام